

توصیه های وحدتبخش اهل بیت (ع) به شیعیان

اهل بیت (ع) همواره شیعیان را به خوشرفتاری با پیروان مذاهب اسلامی سفارش کرده اند و سیره عملی خودشان نیز چنین بوده است. امام باقر (ع) فرمودند «حتی اگر با یک یهودی همنشین شدی با او به نیکویی رفتار کن.»



اهل بیت (ع) همواره شیعیان را به خوشرفتاری با پیروان مذاهب اسلامی سفارش کرده اند و سیره عملی خودشان نیز چنین بوده است. امام باقر (ع) فرمودند «حتی اگر با یک یهودی همنشین شدی با او به نیکویی رفتار کن.»

به گزارش خبرگزاری مهر، طبق روایات اهل بیت (ع)، شیعیان باید با پیروان مذاهب دیگر در کمال ادب و احترام گفتگو کنند. زیرا خداوند می فرماید: «قولوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (با مردم سخنی نیکو بگویید) [بقره/۸۳]. خداوند در این آیه نفرمود «تنها با مؤمنان حقیقی خوشرفتار باشید» بلکه واژه «الناس» (مردم) را به کار برد یعنی باید با همه اقشار مردم شامل مسلمان و کافر و شیعه و سنی و ... نیکو سخن بگویید. درباره همین آیه امام باقر (ع) می فرماید: «منظور اینست که با مردم آنگونه سخن بگو که دوست داری آنان با تو سخن بگویند»

خوشرفتاری با عموم مسلمانان:

اهل بیت (ع) همواره شیعیان را به خوشرفتاری با پیروان مذاهب اسلامی سفارش کرده اند و سیره عملی خودشان نیز چنین بوده است. امام باقر (ع) فرمودند «حتی اگر با یک یهودی همنشین شدی با او به نیکویی رفتار کن» (۱) امیرالمؤمنین (ع) حتی با اهل کتاب (مسیحیان و یهودیان) خوشرفتار بودند به گونه ای که موجب علاقمندی و احیاناً تشرف آنان به اسلام می شد. (۲) اگر کسی بخواهد نمونه های رفتار بزرگوارانه اهل بیت (ع) با پیروان ادیان و مذاهب دیگر را گردآوری کند قطعاً کتابی حجیم خواهد شد.

طبق روایات اهل بیت (ع)، شیعیان باید با پیروان مذاهب دیگر در کمال ادب و احترام گفتگو کنند. زیرا خداوند می فرماید: «قولوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (با مردم سخنی نیکو بگویید) [بقره/۸۳]. خداوند در این آیه نفرمود «تنها با مؤمنان حقیقی خوشرفتار باشید» بلکه واژه «الناس» (مردم) را به کار برد یعنی باید با همه اقشار مردم شامل مسلمان و کافر و شیعه و سنی و ... نیکو سخن بگویید. (۳) درباره همین آیه امام باقر (ع) می فرماید: «منظور اینست که با مردم آنگونه سخن بگو که دوست داری آنان با تو سخن بگویند» (۴)

همچنین از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: «ای شیعیان! [با رفتار خود] زینت ما باشید و مایه ننگ و عار ما نباشید. با مردم به نیکویی سخن بگویید و زبان خود را [از سخنان زشت] نگاه دارید و از گفتار بیهوده و سخنان زشت بپرهیزید» (۵) آنحضرت شیعیان را بویژه درباره رفتار با اهل سنت به تقوا توصیه کرده، فرمودند: «به عیادت بیمارانشان بروید و در تشییع جنازه امواتشان شرکت کنید و در مسجدهایشان با آنان نماز بخوانید» (۶) اهل بیت (ع) خود نیز همین شیوه را داشتند. (۷) در حدیثی آمده که هر کس از این شیوه پیروی نکند امامان (ع) از او بیزارند و او را از شیعیان خود نمی دانند. (۸) در حدیثی معتبر از امام صادق (ع) آمده که هر کس از شیعیان که [برای وحدت اسلامی] در صف اول نماز با اهل سنت شرکت کند گویی پشت سر پیامبر (ص) نماز گزارده است. (۹) طبق این روایت نماز با اهل سنت نه تنها جایز بلکه دارای پاداشی بزرگ است. طبق روایتی دیگر امام صادق (ع) نماز با اهل سنت در صف اول را همچون جهاد فی سبیل الله دانسته اند. (۱۰) این روایات از سوی محققان شیعه معتبر دانسته شده و مراجع تقلید بر اساس آنها فتوا می دهند.

نهی از دشنامگویی به مقدسات دیگران:

تجربه نشان داده که هیچگاه دشنام گفتن به مقدسات دیگران موجب هدایت گمراهان نمی شود. بلکه برعکس آنان را به لجاجت و مقابله به مثل وادار می کند. از این رو اهل بیت (ع) به شیعیان یادآور می شدند که خداوند از دشنام گفتن - حتی نسبت به بت‌های مشرکان- نهی فرموده است. خداوند می فرماید: «به معبود کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، مبدا آنها (نیز) از روی دشمنی و جهل، خدا را دشنام دهند» [أنعام/۱۰۸] بنابراین پرهیز از دشنام یک اصل قرآنی و اسلامی است که اهل بیت (ع) نیز بر آن تأکید کرده اند از این رو استثنای قابل شدن برای آن در شرایط خاص نیازمند دلیل خاص است. (۱۱) در جنگ صفین برخی از اصحاب امیرالمؤمنین (ع) طرف مقابل را دشنام می دادند که آن حضرت فرمود: «بر شما روا نمی دانم که نفرینگر و دشنامگو باشید، فحش دهید و اظهار نفرت کنید. ولی اگر کارهای زشت آنان را بیان می‌کردید و می‌گفتید که رفتار و کردارشان چنین و چنان بوده، سخنی درست‌تر گفته و عذری رساتر آورده بودید» (۱۲) در اینجا امیرالمؤمنین (ع) در عین نهی از دشنامگویی، یاران خود را به افشاگری درباره عملکرد دشمن فرا می خواند. بنابراین پرهیز از دشنامگویی به معنای سکوت در مقابل انحرافات نیست بلکه به معنای روشنگری مؤدبانه و استدلالی است که احتمال هدایت مخاطبان را بیشتر می کند و در پیشگاه خداوند و در مقابل افکار عمومی نیز بهتر قابل دفاع است.

در روایتی دیگر خطاب به شیعیان آمده: «از خدا پروا کنید و با هر کس همدم می شوید به نیکویی همنشینی کنید و با همسایگان خوشرفتار باشید و امانت را به صاحبانش برگردانید و مردم را خوک نخوانید. اگر شیعه ما هستید همانگونه که ما سخن می‌گوییم سخن بگویید و مانند ما رفتار کنید تا برآستی شیعه ی ما باشید» (۱۳) از این روایت دانسته می شود که در آن روزگار برخی از تندروها، پیروان مذاهب دیگر را با القابی زشت نامگذاری می کردند که اهل بیت (ع) از این رفتار زشت نهی

فرمودند. در زمان ما نیز برخی از افراطیها از هر دو مذهب القاب زشتی به مخالفان خود می دهند که بی تردید ناروا و بر خلاف شیوه پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) می باشد.

در کتاب علل الشرایع(تألیف شیخ صدوق) که از منابع مهم شیعه است آمده که ابوحنیفه(پیشوای اهل سنت) نزد امام صادق(ع) شرفیاب شد و عرض کرد: «گروهی از شیعیان از سه خلیفه نخست به شدت بدگویی و اعلام بیزاری می کنند و مدعی هستند که شما چنین توصیه ای به آنان کرده اید» امام صادق(ع) فرمودند: «وای بر تو! من چنین چیزی نگفته ام» ابوحنیفه گفت: «اما آنها بسیار برای این کار اهمیت قایلند!» امام(ع) فرمودند: «از من چه انتظار داری؟» ابوحنیفه گفت: «اگر نامه ای برایشان بنویسید و من به آنان برسانم از این کار دست بر می دارند.» امام(ع) فرمودند: «[در اینصورت] سخنم را اطاعت نخواهند کرد.»(۱۴) گویا امام(ع) نگران بودند که اگر چنین نامه ای توسط یک عالم سنی به گروهی از تندروهای شیعه ابلاغ شود تأثیری نداشته باشد. اما از آنجا که امام(ع) شخصاً از تصریح مردم کوفه به لعن بزرگان اهل سنت ناخشنود بودند بنابراین نامه ای نوشتند و توصیه های فراوانی به شیعیان کردند از جمله اینکه باید با اهل سنت خوشرفتاری کرده، از تظاهر به دشنامگویی خودداری کنند زیرا این رفتار ناشایست جز اینکه طرف مقابل را به مقابله به مثل وادار کند سودی نخواهد داشت. از آن پس شیعیان آن نامه را در جایگاه نماز خود قرار می دادند و بعد از نماز می خواندند و تلاش می کردند به آن پایبند باشند. (۱۵)

یکی از نایبان خاص امام زمان(عج) شخصی را به کار درباری گمارده بود اما پس از مدتی معلوم شد این دربان به معاویه لعنت و دشنام می دهد. نایب خاص(ره) پس از اطلاع از این موضوع او را از کار برکنار فرمود. از آن پس آن شخص تا مدتها التماس می کرد که سر کار خود برگردد اما نایب خاص (ره) دیگر او را به خدمت قبول نفرمود. (۱۶) گویی آن نایب خاص(ره) معتقد بودند که شیعیان باید حتی نسبت به حساسیت اقلیتی از اهل سنت که برای معاویه منزلتی قایل هستند، توجه داشته باشند و نباید تظاهر به بی احترامی به عقاید اهل سنت کنند.

از برخی از روایات بر می آید اصل تبرّی که از نظر ما شیعیان یکی از فروغ دین است باید بصورت «لعن ستمکاران بطور کلی» باشد و نباید با ذکر نام و بصورت صریح باشد. کلینی از امام باقر(ع) نقل کرده که فرزند یکی از سران شرک، که مسلمان شده و در رکاب پیامبر(ص) بود - یکبار ابوبکر در حضور او پدر مشرکش را لعنت کرد که او خشمگین شد و به ابوبکر پاسخی تند داد. در آن هنگام پیامبر(ص) - به عنوان یک سیره همیشگی - فرمودند: «وقتی مشرکان را لعن و بدگویی می کنید بطور کلی سخن بگویید نه بطور خاص (با ذکر نام) که فرزندان شما (که اکنون در شمار مسلمانان هستند) خشمگین شوند» (۱۷) طبق این روایت پیامبر اعظم(ص) از لعن صریح مشرکان با ذکر نام، نهی فرمود تا موجب دودستگی بین مسلمانان نشود. معنای این سخن اینست که به جای لعن با ذکر نام باید لعن کلی مورد عمل قرار گیرد مثلاً بگویند: «اللهم العن الظالمین». از این روایت می توان فهمید که لعن افراد با ذکر نام حتی درباره مشرکان - اگر موجب کدورت میان مسلمانان شود روا نیست و باید از آن پرهیز شود.

به عنوان یک مصداق نیز باید گفت آنچه پس از عصر صفوی در برخی از محافل تحت عنوان «عید الزهرا» رواج یافت امری غیردینی و بر خلاف سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) بوده است. از این رو بسیاری از مراجع تقلید شیعه به صراحت آن را خرافی و حرام اعلام کرده اند. حدیثی که برخی از افراطیها برای توجیه این مراسم خرافی مورد استناد قرار می دهند نیز به اعتقاد محققان جعلی و فاقد اعتبار است. در این باره کتابی خواندنی با عنوان «نهم ربیع؛ جهالت ها، خسارت ها» منتشر شده است. (۱۸)

نکته دیگر درباره زیارت شریف عاشورا است که در قدیمی ترین نسخه آن عبارت «اللهم خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ وَ أَوَّلًا ثُمَّ الثَّانِي وَ الثَّالِثِ وَالرَّابِعِ» - که فعلاً رایج و مشهور است - وجود ندارد و به جای آن لعن کلی و عمومی به این صورت آمده است: «اللهم خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ بَيْتِكَ بِاللَّعْنِ ثُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ» این نسخه ی زیارت عاشورا در کتاب «کامل الزیارات» - که از تألیفات ابن قولویه قمی(از استادان شیخ مفید) است- آمده و از جهاتی از نسخه متداول معتبرتر می باشد اما متأسفانه کمتر مورد توجه مردم قرار گرفته است. (۱۹) در میان کتب دعای معاصر «منتخب الأدعیه» که زیر نظر علامه سید مرتضی عسکری(ره) تدوین شده این متن را نقل کرده است. (۲۰)

بهترین شیوه تبلیغ برای مذهب اهل بیت(ع) :

امام صادق(ع) فرمودند: «شما را به تقوای الهی و طاعت خداوند و پرهیز از معاصی و ادای امانت به کسانی که به شما اعتماد می کنند، سفارش می کنم و اینکه با هرکس همنشین می شوید خوشرفتار باشید و بدون سخن گفتن برای ما تبلیغ کنید» به حضرت(ع) عرض کردند: چگونه بدون سخن گفتن تبلیغ کنیم؟! فرمود: «به آنچه از طاعت خدا که به شما سفارش کرده ایم عمل کنید و از آنچه از محرمات که نهی کرده ایم بپرهیزید و با مردم با راستی و منصفانه رفتار کنید و امانت را به صاحبش بازگردانید و امر به معروف و نهی از منکر کنید و کاری کنید که مردم جز خوبی از شما نبینند که در اینصورت خواهند گفت اینها پیروان فلانی(شیعیان جعفری) هستند. خدا فلانی [جعفر صادق] را رحمت کند که چه خوب پیروانش را تربیت کرده است و بدینگونه از فضایل ما آگاه می شوند و به سویی می شتابند» (۲۱) طبق این روایات شیعیان باید بگونه ای با پیروان مذاهب دیگر رفتار کنند که موجب خوشنامی اهل بیت(ع) شود و آنان با خود بگویند " درود بر جعفر صادق(ع) که چنین شیعیانی تربیت کرده است."

در زمان برخی از امامان(ع) شیعیان چنان با اهل سنت مدارا و خوشرفتاری داشتند که مردم آنان را به عنوان امام جماعت و امانتدار خود بر می گزیدند و این رفتار آنان مورد تأکید ویژه امامان(ع) بوده است زیرا موجب خوشبینی و علاقه مردم نسبت به

اهل بیت(ع) و پیروانشان بود. (۲۲)

ممکن است برخی گمان کنند با خودداری از لعن صریح ممکن است تعصب شیعی رو به ضعف بگذارد و برخی از شیعیان در حقانیت و مظلومیت اهل بیت(ع) تردید کنند اما حقیقت اینست که این نگرانی جایی ندارد زیرا ما می توانیم برای حفظ مکتب تشیع به جای «تظاهر به لعن با ذکر نام»، به «بیان واقعیات تاریخی و استدلالهای اهل بیت(ع)» با شیوه مؤدبانه بپردازیم تا نسل جوان شیعه به جای دشنام، به استدلال و ادب مسلح شود و در مقابل شبهات متزلزل نگردد. اگر شیعیان اعلام برائت از ستمکاران را بصورت کلی و بدون تعیین مصادیق خاص بیان کند کدورتی پیش نمی آید بلکه دیگران نیز با آنان همصدا می شوند. در عین حال می توان حقایق تاریخی را به گونه مستند و بدون سب و لعن صریح تبیین کرد. این شیوه قطعا از سوی نسل جوان روشنفکر و جستجوگر با استقبال مواجه خواهد شد و تبلیغات منفی وهابیان را که شیعه را به عنوان یک فرقه بی منطق و دشنامگو معرفی می کنند خنثی خواهد کرد.

.....

پانوش:

- ۱ - میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل [چاپ قم] : ج ۸ ص ۳۱۶
- ۲ - به عنوان نمونه مراجعه کنید به: حر عاملی، وسائل الشیعة [چاپ قم]، ج ۱۲ ص ۱۳۵ و ابن اثیر، الکامل [چاپ بیروت] ج ۲ ص ۴۴۳
- ۳ - محمد بن بابویه صدوق، صفات الشیعة [چاپ انتشارات اعلمی تهران] ص ۲۷ و علی بن حسن طبرسی، مشکاة الأنوار [چاپ نجف اشرف] صص ۸۸ و ۱۷۳ و ۱۸۱ و تفسیر منسوب به امام عسکری(ع) [چاپ قم] ص: ۳۵۳
- ۴ - محمد بن یعقوب کلینی، الکافی [چاپ تهران] ج ۲ ص ۱۶۵ و محمد بن بابویه صدوق، الأمالی؛ ص ۲۵۴ و محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی [چاپ تهران] ج ۱ ص ۴۸
- ۵ - محمد بن بابویه صدوق، الأمالی ص ۴۰۰ و محمد بن حسن طوسی، الأمالی [چاپ قم] ص ۴۴۰
- ۶ - محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی [چاپ تهران] ج ۱ ص ۴۸
- ۷ - میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل [چاپ قم] ج ۸ ص ۳۱۳
- ۸ - احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن ج ۱ ص ۱۸ و محمد بن بابویه صدوق، صفات الشیعة [چاپ انتشارات اعلمی تهران] ص ۲۷
- ۹ - محمد بن یعقوب کلینی، الکافی [چاپ تهران] ج ۳ ص ۳۸۰ و محمد بن بابویه صدوق، من لا یحضره الفقیه [چاپ قم] ج ۱ ص ۳۸۲ و فیض کاشانی، الوافی [چاپ اصفهان] ج ۸ ص ۱۲۱۸ و حر عاملی، وسائل الشیعة [چاپ قم]، ج ۸ ص ۲۹۹ و محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار [چاپ بیروت] ج ۸۵ ص ۹۷ و ۹۸
- ۱۰ - حر عاملی، وسائل الشیعة [چاپ قم]، ج ۸، ص: ۳۰۱
- ۱۱ - شاید بتوان گفت یکی از موارد استثنا حالت مقابله به مثل است زیرا خداوند می فرماید: «هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن به او تعدی کنید» [بقره: ۱۹۴]
- ۱۲ - نهج البلاغه [چاپ دارالهجره قم] خطبه ۲۰۶ ص ۳۲۳ و نصر بن مزاحم، وقعة صفین [چاپ قاهره] ص ۱۰۳؛ ابوحنیفه دینوری، الأخبار الطوال [چاپ منشورات الرضی، قم] ص ۱۶۵؛ ابن أعثم کوفی، الفتوح [چاپ بیروت] ج ۲ ص ۵۴۳
- ۱۳ - قاضی نعمان مغربی، دعائم الإسلام [چاپ مصر] ج ۱ ص ۶۱ و میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل [چاپ قم] : ج ۸ ص ۳۱۱
- ۱۴ - محمد بن بابویه صدوق، علل الشرائع، [انتشارات مکتبة الداوری، قم] ج ۱ باب ۸۱ ص ۹۱ و محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار [چاپ بیروت] ج ۲ ص ۲۹۴
- ۱۵ - محمد بن یعقوب کلینی، الکافی [چاپ تهران] ج ۸ ص ۲ تا ۱۴ و محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار [چاپ بیروت] ج ۷۱ باب ۱۴ ص ۲۱۷ و ج ۷۵ باب ۳ ص ۲۱۵
- ۱۶ - محمد بن حسن طوسی، الغیبة [چاپ قم] ص: ۳۸۶ و محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار [چاپ بیروت] ج: ۵۱ ص: ۳۵۷
- ۱۷ - محمد بن یعقوب کلینی، الکافی [چاپ تهران] ج ۸ ص ۶۹. این ماجرا در مصادر تاریخی نیز آمده است: بلاذری، أنساب الأشراف [چاپ بیروت] ج ۱ ص ۱۶۰ و ۴۶۷ و ج ۶ ص ۴۴؛ واقدی، المغازی [چاپ بیروت] ج ۳ ص ۹۲۵ و ابن حبیب هاشمی، المنمق [چاپ بیروت] ص ۲۹۴
- ۱۸ - این کتاب که توسط "مهدی مسائلی" تألیف شده است.
- ۱۹ - جعفر ابن قولویه قمی(وفات حدود ۳۶۸هـ)، کامل الزیارات [انتشارات مرتضویه، نجف اشرف]، صص ۱۷۴-۱۷۹، باب ۷۱ و محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار [چاپ بیروت] ج ۹۸، ص ۲۹۲. و میرزا ابوالفضل تهرانی(قرن ۱۳ق). شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور [انتشارات مرتضوی، تهران]، ج ۱، ص ۴۴
- ۲۰ - سید مرتضی عسکری، منتخب الأدعیه، المجمع العلمی الاسلامی، تهران، ۱۴۰۴ ق. / ۱۳۶۲ ش
- ۲۱ - قاضی نعمان مغربی، دعائم الإسلام [چاپ مصر] ج ۱ ص ۵۶
- ۲۲ - محمد بن بابویه صدوق، صفات الشیعة [چاپ انتشارات اعلمی تهران] ص ۲۸ و قاضی نعمان مغربی، دعائم الإسلام [چاپ مصر] ج ۱ ص ۵۶

منبع: سایت انقلاب آستان قدس رضوی